

به نام خدا

تاریخ تحلیلی صدر اسلام

تدوین: جابر حجتی رزگی

## فصل سوم

تاریخ پیامبر اسلام (ص) (ولادت، بعثت و دعوت)

# تاریخ پیامبر اسلام (ص) (ولادت، بعثت و دعوت)

## کودکی و نوجوانی

عبدالمطلب از میان اصیل‌ترین خانواده‌ها، سعادتمندترین بانوی جهان، آمنه را برای فرزندش عبدالله برگزید. دیده به جهان گشودن پیشوای انسان‌ها در سپیده‌دم هفدهمین روز ربیع‌الاول سال ۵۷۰م. (عام الفیل) با حوادثی شگرف همراه بود. سپری شدن روزگار جاهلیت و آغاز عصر بینش، دانش، بیداری و عدالت، پیام واقعی آن حوادث شمرده می‌شود....

عبدالمطلب، جد اول پیامبر (ص) که به بخشنده‌گی، نیکوکاری و دستگیری از افتادگان شهرت داشت یادگار عبدالله را شاید به علت ناکافی بودن شیر آمنه و یا به رسم بزرگان عرب همراه حلیمه سعدیه - از قبیله بنی‌سعد که به شجاعت و فصاحت معروف بودند - به روستا (بادیه) فرستاد تا در بیرون مکه، در محیط پاک و هوای سالم، بزرگ شود؛ سخن گفتن به لهجه فصیح عربی را - که در آن زمان اصیل‌ترین جلوه آن در روستا و صحرا یافت می‌شد - فراگیرد و از بیماری احتمالی وبای شهر - که خطر آن برای نوزادان بیشتر بود - مصون بماند.

محمد (ص) بیش از تولد، پدر ارجمندش را از دست داد. چون به شش سالگی گام نهاد، مادر مهربانش دیده از جهان فرو بست و در حدود هشت سالگی، نیای گرانقدرش عبدالمطلب به سرای دیگر شتافت. از این پس، ابوطالب، که تنگدستی بزرگوار بود، حامی محمد (ص) شد.

محمد (ص)، براساس سنت جوامع قدیم - که کودکان را از آغاز سن رشد به فعالیت و مشارکت در اقتصاد خانه وامی داشت - و به سبب کافی نبودن درآمد ابوطالب، تصمیم گرفت مانند بسیاری از پیامبران، «شبانی» پیشه کند.

## کلید شخصیت محمد (ص) در نوجوانی و جوانی

تردیدی نیست که حضرت محمد (ص)، تا پیش از بعثت - نه در مکه و نه در میان برگزیدگان جامعه آن - به عنوان یک شخصیت اجتماعی برجسته شناخته نبود؛ اما حوادث و وقایع این سال‌ها سبب شد که قریش او را «امین» بخواند؛ امین به فرد امانتدار، راستگو، با وقار، خوش خلق، کریم و شرافتمند گفته می‌شود که از هر ناپاکی و گناه اجتناب می‌کند.

### جوانی

در فضای تیره جامعه حجاز که حتی کهنسالان به گونه‌ای شرم‌آور در آلودگی به سر می‌بردند و پرچم سیاه به علامت جاهلیت بر فراز برخی از خانه‌ها نصب شده بود. در این موقعیت، فرزند پاک عبدالله هرگز تأثیر نادرست نپذیرفت و چنان در درستی و صداقت شهره شد که حتی بعدها دشمنانش او را «امین» می‌خواندند.

در ۲۰ سالگی، با شرکت در پیمان «جوانمردی و نیکوکاری» (حلف الفضول) به دادخواهی ستمدیدگان برخاست.

## ازدواج

خدیجه، بانوی فهیم و ثروتمند مکه، از زنان ممتاز جزیره العرب به شمار می آمد. او که تبار با فضیلت امین قریش را نیک می شناخت، گویا از راز نهفته در وجود این جوان پاکدامن آگاه بود. اخبار معنوی دل انگیز سفر تجارتی آن بزرگوار (ع) به شام - که خود مقدماتش را فراهم آورده بود - شوق وی را فزونی بخشید. درایت و هوشیاری خدیجه، زمینه خواستگاری را فراهم آورد. بدین ترتیب نجیب ترین جوان قریش - که دوشیزگان عرب در آرزوی ازدواج با وی به سر می بردند - در ۲۵ ساگی با خدیجه پاكنهاده - که حدود ۴۰ سال داشت - ازدواج کرد. خدیجه - که ملكة قریش بود - از این پس خود را کنیز محمد (ص) خواند. او دیگر تنها بانوی خانه محمد نبود، بلکه همراه، همدم، همدل و رفیق راهش به شمار می آمد.

محمد(ص) در طول سال، بارها به کوه های اطراف مکه و غار حرا می شتافت و این امر در ماه رمضان به اوج می رسید. یار تنهایی و خلوتش علی بن ابی طالب (ص) می فرماید: هر سال در کوه حرا اقامت می گزید. من او را می دیدم و جز من کسی وی را نمی دید. نور وحی و رسالت را می دیدم و بوی نبوت را استشمام می کردم.

## آغاز رسالت

۲۷ رجب، در حالی که محمد (ص) عالی‌ترین مراحل کمال انسانی و عقلانی را در چهل سالگی پشت سر می‌گذاشت، در نیمه‌شب که آرامشی روحانی وجودش را فرا گرفته بود فرمان رسالت از سوی حضرت احدیت صادر شد و با امر به «خواندن» بدو ابلاغ شد و بدین ترتیب ماهیت بعثت، هدایت و دعوت جدید بر پایه معنویت، انسان و علم آشکار شد.

خدیجه که در پانزده سال زندگی با وی از او جز راستی و درستی ندیده بود و با زوایای اندیشه‌اش آشنایی داشت، رسالتش را تبریک گفت و بی‌درنگ ایمان آورد.

علی (ع) که بیشتر عمر ده ساله‌اش را در خانه رسول خدا (ص) گذرانده و زیر نظر او پرورش یافته بود، با مشاهده نشانه‌های فرود آمدن فرشته وحی، به یگانگی خدا و رسالت حضرت محمد (ص) گواهی داد.

## دعوت خصوصی - پنهانی و تبلیغ عملی

از آنجا که سرزمین مکه دورانی طولانی به شرک و بت پرستی آلوده بود و مردم در مرداب خرافه‌ها و تعصب روزگار می‌گذراندند، اعلان یکباره دعوت توحیدی و شوریدن دفعی علیه همه مظاهر جاهلیت، جز برای گروه خاصی از اهل معرفت، قابل تحمل نبود.

رسول خدا، با عنایت به اینکه اندیشه قوی و ایدئولوژی غنی شرط اساسی اصلاحات عمیق و ریشه‌دار است، تبلیغ و دعوت خصوصی را که گاهی از آن به پنهانی تعبیر آورده شده، آغاز کرد تا با عضوگیری و تربیت هسته‌های اصلی تبلیغ، زمینه اعلام آشکار و عمومی منطق نیرومندش را فراهم آورد.

در این دوره سه ساله، محمد (ص) آشکارا به عیب‌جویی از عقاید و کردار مکیان نمی‌پرداخت و ماهیت ضدستم و اشرافیت دعوت خویش را آشکار نمی‌ساخت؛ بلکه با چهره‌ای آرام همراه علی (ع) و خدیجه (ع) و کمی بعدتر زید بن حارثه - که اساس سازمان اجتماعی و امت او را شکل می‌دادند - در مراکز پرجمعیت مکه، مانند مسجدالحرام و منا، به نیایش خدای واحد می‌پرداخت. او نماز را که مجموعه معارف معنوی برای ارتباط با معبود است، در پای کوه صفا و در منزل یکی از مسلمانان نخستین (منزل ارقم) و گاهی فراروی مخالفان برپا می‌داشت.

## سه مسلمان نخست و جهت‌گیری اجتماعی دعوت

- ۱- به اتفاق مورخان، خدیجه نخستین زنی بود که مسلمان شد.
- ۲- از میان جوانان (مردان) امام علی (ع) نخستین فردی بود که به پیامبر خدا گروید.
- ۳- زید بن حارثه نیز که سال‌ها پیش او را در بازار مکه به غلامی فروخته بودند و در این زمان خدیجه او را به پیامبر هدیه و پیامبر (ص) نیز او را در راه خدا آزاد کرده بود.

در جامعه جاهلی آن روز مکه اصالت و برتری به سه چیز بود: ۱. مرد بودن ۲. مسن بودن ۳. آزاد بودن.

هیچ یک از این سه تن نمی‌توانستند در جامعه جاهلی آن روز دارای جایگاه و مرتبه‌ای باشند. به تعبیر دقیق‌تر اسلام از همان آغاز به یک موضع‌گیری برضد ارزش‌های جاهلی اقدام کرده بود. با اسلام خدیجه به عنوان یک زن، ارزش مرد بودن و مردسالاری نفی شد. اسلام علی بن ابی طالب که یک نوجوان بود اصل اعتبار فزونی سن را که بعدها نیز مورد استناد قرار گرفت، بی‌پایه گردید. اسلام زید بن حارثه به عنوان غلام آزاد شده رسول خدا (ص)، نظام برده‌داری رایج در شبه‌جزیره را مورد حمله قرار داد.

## انذار خویشاوندان و دعوت آشکار

سه سال تبلیغ عملی رسول اکرم (ص) و افزایش گروندگان او زمینه ذهنی و اجتماعی دعوت عمومی و علنی را فراهم آورد.

بیش از ۴۰ تن از نزدیکان و فرزندان زادگان عبدالمطلب - که ابوطالب، حمزه و ابولهب از آن جمله‌اند - به مهمانی دعوت شدند و علی (ع) به دستور خدا (ع) سفرهای گسترده پس از صرف غذا رسول خدا همگی را به خداوند دعوت کرد و از جمع حاضر یاری خواست تا او را یاری کنند، این موضوع را سه بار تکرار کرد و هر سه بار فقط علی (ع) پاسخ داد و رسول خدا (ص) به علی (ع) اشاره کرد و فرمود: این، برادر، وصی و جانشین من در میان شماست.

## دعوت عمومی و آغاز صفبندی موحدان و مشرکان در مکه

رسول خدا (ص) در سومین مرحله از مأموریت خود در دعوت اجتماعی و گذر از جامعه جاهلی گامی بلند برداشت و پس از آنکه فرشته وحی فرمان هدایت عمومی «فاصدع بما تؤمر» را به وی ابلاغ کرد، طنین «یا صباحاه» او در کوه صفا پیچید و عموم مردم را به اسلام دعوت کرد.

ابولهب، با توهین به پیامبر (ص) گفتارش را دروغ خواند. در این هنگام، فرشته وحی، با فرود آوردن سوره مسد و سرزنش ابولهب جبهه حق را یاری رساند.

نسیم فزاینده آیات الهی و منطق نیرومند پیامبر (ص) - که بر سه محور عمده یکتایی خدا، پرستش خدای واحد و سرزنش بت پرستی، و رستگاری در پرتو توحید استوار بود - نظر بسیاری از مردم را به کارکرد اجتماعی دعوت جلب کرد. گروهی اسلام آوردند، دسته‌ای به تفکر فرو رفتند و گروه‌هایی نیز برآشفتنند.

مخالفان دعوت توحیدی پیامبر (ص) سه گروه مشرکان، یهودیان و منافقان بودند.

برخی از مهم‌ترین علت‌های نپذیرفتن اسلام و مخالفت با پیامبر (ص):

۱. جهت‌گیری دینی و توحیدی دعوت و مخالفت اسلام با الهه اعراب و دین رایج و موروثی حاکم بر مکه مهم‌ترین علت مخالفت قریش بوده است.
۲. نتیجه جهت‌گیری اجتماعی دعوت و اسلام آوردن محرومان و جوانان، فروپاشی نظام اجتماعی حاکم بود.
۳. جهت‌گیری اقتصادی قرآن که نظام اقتصادی جامعه را مورد طعن قرار داد و معبود شدن ثروت و سرمایه را تقبیح کرد و استغنا و ثروت را عامل طغیان معرفی کرد.
۴. رقابت‌های قبیله‌ای و حسادت ورزیدن به موقعیت ارزشی بنی‌هاشم و فرزندان عبدمناف.
۵. بشر بودن پیامبر (ص)
۶. روی آوردن مستضعفان به آن حضرت (ص)
۷. اعتقاد به جبر
۸. درخواست‌های نابجا و ناممکن
۹. اطاعت کورکورانه از نیاکان
۱۰. فداکاری به دنیا

## اقدامات مشرکان

سران قریش برای وصول به دو هدف مهیا کردن زمینه انزوای پیامبر یا برخورد رویارو با آن حضرت، وارد صحنه مبارزه شدند.

### شگردهای مسالمت آمیز

سران گروه‌هایی که راه اندیشه صحیح را بر خود بسته بودند، می‌دانستند تا وقتی حمایت ابوطالب از پیامبر ادامه دارد، به سبب نفوذ فراوان وی، نمی‌توانند برخوردی یکپارچه و خصمانه با پیامبر داشته باشند. از این‌رو، برای پایان بخشیدن به حمایت ابوطالب از رسول خدا (ص) نزد وی شتافتند. آنها تصمیم داشتند از رئیس قبیله بنی‌هاشم بخواهند که یا محمد را از ادامه کار باز دارد و یا او را به آنان واگذارد. تدبیر عاقلانه و سخنان نرم ابوطالب در سران قریش اثر گذاشت. بنابراین، ابوطالب را رها کردند و رفتند.

## نیرنگ‌های مردم فریب و مجمع تهمت هماهنگ

پس از آنکه مشرکان از تأثیر در ابوطالب نومید شدند، طرح گفتگوی بی‌واسطه با پیامبر را تصویب کردند ، آنها پیشنهاد ثروت کلان، پیشوایی قبیله و پادشاهی قوم را با پیامبر در میان نهادند. زراندوزان مکه، پس از نومیدی از این تدبیر به استهزای پیامبر (ص) روی آوردند. درخواست انجام کارهای فرابشری، پرسش‌های بی‌منطق و نامعقول، تهمت سحر و جنون و ... شیوه‌های مبارزه سپاه جهل علیه شخصیت نبی اکرم (ص) بود.

## اقدامات علیه بنیان فکری نهضت

کارسازترین سلاح رسول خدا (ص) در دعوت، پیام نهفته در آیات قرآن بود. قرآن دل‌ها را تسخیر می‌کرد و مشرکان مکه را به واکنش و می‌داشت. بخشی از اقدام‌های آنان عبارت است از:

❖ تحریم شنیدن قرآن

❖ ایجاد هیاهو و جنجال هنگام تلاوت قرآن

❖ اسطوره، افسانه و شعر شمردن قرآن

❖ سرگرم کردن مردم به وسیلهٔ معرکه‌گیرانی چون نصر بن حارث و نقل داستان‌های مردم‌پسند

❖ تردید در وحیانی بودن قرآن

❖ ترویج افسانه‌های منطق‌ستیزی چون افسانه غرانیق

## اقدامات علیه حامیان نهضت

یکی از راه‌های جلوگیری از گسترش نهضت نوین اسلام و مخالفت با گرویدن به آن، دشوارسازی شرایط زندگی اسلام‌آوردگان و آزار آنان بود. چنین شگردی، که پیش از اسلام نیز سابقه داشت دست کم دو اثر داشت: بازگشت تازه اسلام آوردگان به دامن کفر و شرک و کاهش یا از میان رفتن گرایش به پیامبر (ص) در مردم عادی.

در این موقعیت - که فشار بر حامیان و هواداران نهضت روزافزون می‌شد - پیامبر (ص) به عنوان سکان‌دار کشتی نهضت، با پیشنهاد هجرت به حبشه موافقت کرد. مهاجرت به حبشه در سال پنجم بعثت - که در مرحله اول یازده مرد و چهار زن در آن شرکت جستند - از یک سو می‌توانست روح امید را در مسلمانان ستم‌دیده تقویت کند و از سوی دیگر، راه را برای عمل به تکالیف اسلامی و استمرار تبلیغ در خارج از مکه هموار سازد.

در مهاجرت دوم - که پنهانی و بر اساس تجربه‌های مهاجران نخست و با فاصله چند ماه از هجرت نخست تحقق یافت - شمار فزون‌ترین از مسلمانان، برای حفظ ایمان و ماندن بر عقیده توحیدی، آوارگی در سرزمین‌های ناشناخته را پذیرفتند. اقدام‌های مشرکان قریش با سخنان هوشمندانه جعفر بن ابی طالب (نماینده پیامبر) بی‌نتیجه ماند.

جعفر بن ابی طالب آیات گزینش مریم و عظمت مسیح را - که بی‌تردید زاییده رهنمودهای حضرت رسول (ص) بود - تلاوت کرد. نجاشی با شنیدن آیات الهی درباره عیسی، خود را به حمایت از مسلمانان متعهد دانست. به دلیل بازگشت ناموفق نمایندگان قریش از حبشه و بروز هرچه بیشتر کارکردهای اجتماعی و فرهنگی دین جدید، رهبران شرک، ترور ناجوانمردانه رسول خدا (ص) را در شمار برنامه‌های خود قرار دادند که با وجود ابوطالب، نقشه ترور ناکام ماند و دشمنان دین به طرحی دیگر روی آورد.

مبارزه منفی راهی آسان برای به زانو درآوردن اقلیت‌ها در هر جامعه است. زیرا برخلاف مبارزه عادی، به مقدمات چندانی نیاز ندارد و با بسیج عمومی اجرا شدنی است. سران قبایل و اشراف متنفذ قریش عهدنامه‌ای به تصویب رساندند و ضمن آویختن آن در کعبه، سوگند یاد کردند که در صورت تسلیم نشدن محمد (ص) در برابر خواسته آنان تا هنگام مرگ بدان وفادار باشند. بندهای این پیمان چنین بود:

- ❖ باید هرگونه خرید و فروش با هواداران محمد متوقف گردد.
- ❖ ارتباط، معاشرت و پیوند زناشویی با مسلمانان ممنوع است.
- ❖ جبهه مخالف محمد در تمام حوادث و پیشامدها باید مورد حمایت قرار گیرد.

بدین ترتیب، به ناچار و با پیشنهاد ابوطالب، بنی‌هاشم و بنی‌عبدالمطلب تمام روابطشان را در محدوده شعب تعریف و متمرکز کردند. مسلمانان در این دوران سه ساله، سخت‌ترین فشارهای روانی و معیشتی را تحمل کردند. شدت فشار به اندازه‌ای بود که آنها گاه ناگزیر به خوردن چیزی روی می‌آوردند که ماهیت غذایی نداشت.

درباره علت بازگشت قریش از پی گیری سیاست قطع مراوده اقتصادی، سیاسی و اجتماعی با مسلمانان، افزون بر پیشیمانی گروهی از امضای پیمان نامه، می توان به حضور ابوطالب (ع) در انجمن قریش اشاره کرد. او گفت: برادرزاده ام محمد می گوید: موریانه پیمان نامه ای را که در کعبه آویخته اند خورده و تنها نام خدا باقی مانده است. ببینید اگر گفتارش راست است، محاصره را بشکنید و اگر راست نمی گوید، او را به شمار خواهم سپرد. چون سراغ نامه رفتند، به درستی سخن پی بردند و با توجه به زمینه های پدید آمده، پیمان نامه را نقض کردند و محاصره را شکستند. بدین ترتیب نوادگان هاشم از زندان بزرگ بی سقف بیرون آمدند.

فشار حوادث، گرسنگی های پیایی شعب، بیداری در شب برای پاسداری از جان رسول خدا (ص) و نگرانی و اضطراب شدید روحی، زندگی ابوطالب را - که عمرش از ۸۰ گذشته بود - تهدید می کرد و توانایی اش را از میان برده بود؛ اما او هرگز از حمایت حضرت رسول (ص) دست برنداشت.

درهمین سال خدیجه، همسر بردبار رسول خدا (ص) نیز به سرای جاودان شتافت و پیامبر را در اندوه دوباره فرو برد؛ به گونه ای که سال دهم بعثت را «عام الحزن» نامید.

## توفیق دعوت در مکه و زمینه‌های هجرت به مدینه

پیامبر به دنبال پایگاه و محیطی مستعد بود که بتواند درونمایه‌های غنی اعتقادی جمعیت نوآیین را که در دیوارهای متعصب نظام کهن جاهلی نمی‌گنجید، از بن‌بست خارج سازد و فضای مناسبی برای بروز و ظهور آن فراهم آورد. از این رو پیامبر (ص) به صورت آشکارتری برای تغییر حوزه جغرافیای دعوت و فراتر بردن دامنه دعوت از مکه، دوگونه اقدام انجام داد:

۱. از طریق عرضه اسلام- دعوت به پرستش الله و روی‌گردانی از بت‌ها- بر قبایلی که برای حج و تجارت به مکه می‌آمدند، کوشید آنان را به حمایت از خویش وا دارد؛ اما کمتر نتیجه گرفت.

۲. اقدام دیگر پیامبر رفتن به خارج مکه و تبلیغ اسلام در نقاط دیگر بود. سفر به شهر طائف در شوال سال دهم بعثت اقدام مهم دیگر آن حضرت در جهت یافتن پایگاه در خارج از مکه یاد شده است. اگرچه رهاورد این سفر تبلیغی نیز خرسند کننده نبود، زمینه امضای پیمان عقبه نخستین با برخی از مردم یثرب را فراهم آورد.

## آخرین توطئه و هجرت پیامبر (ص) به مدینه

یثربیان که خود پیشنهاد مهاجرت حضرت رسول (ص) را مطرح کرده بودند و با پیامبر (ص) بیعت کردند ، خبر بیعت یثربیان و پیمان آنها به گوش سران شرک رسید.

شکنجه و آزار مسلمانان هر روز بیشتر می شد. پیامبر خاتم (ص) که وضع را چنین دید، با پیام خداوند فرمان هجرت مسلمانان به یثرب را صادر کرد. بدین ترتیب همه مسلمانانی که به معرفت عقلی، رشد نفسانی، طرد وسوسه ها و وابستگی های عاطفی رسیده بودند، مخفیانه و با کمترین زاد در مسیر هجرت گام نهادند.

جبهه باطل به زودی دریافت که یثرب پناهگاه مناسبی برای مسلمانان شده است. بنابراین در مهم ترین نشست مشورتی «دارالندوه» حضور یافتند. در این مجمع سه نظریه مطرح شد:

❖ به زنجیر کشیدن و به سیاه چال افکندن رسول خدا

❖ تبعید پیامبر به نقطه ای دور دست

❖ کشتن پیامبر به وسیله نمایندگان کارآزموده هر قبیله

سرانجام نظر سوم تصویب گردید و افرادی از تمام قبایل آماده شدند تا شب هنگام حضرتش را نابود سازند. پیامبر خدا (ص) گنجینه اسرارش علی (ع) را فراخواند؛ امانت‌های مردم را به وی سپرد تا به صاحبانش باز گرداند و به او فرمود: در بسترم بخواب و روپوش مخصوص بر خویش بپوش. در این هنگام علی (ع) پرسید: آیا شما جان سالم بدر خواهید برد؟ پیامبر (ص) فرمود: آری.

بدین ترتیب، علی (ع) با آگاهی از کشته شدن خود، مشتاقانه برای نجات جان مقتدای خویش و تقدیم جان بر ایمان در «لیلہ المبیت» در بستر پیامبر خفت و رسول حق روانه هجرت شد. این فداکاری آن قدر خالصانه و پراهمیت بود که مورد ستایش خداوند واقع شد. (سوره نساء آیه ۹۷)

پیامبر خدا (ص) در حالی که آیاتی از سوره «یس» را می‌خواند، از منزل خارج شد و از بی‌راهه به طرف غار «ثور» که در بیرون مکه بود، حرکت کرد.

ابوبکر که از رویداد آگاهی یافت، در راه به پیامبر (ص) پیوست.